

به نام خدا

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

کلیدهای کشف و پرورش

استعداد در کودکان

دکتر دُن وینهاوس

مترجم: اکرم قیطاسی

سرشناسه	: وینهاوس، دُن، ۱۹۴۷ م - Weinhouse, Don
عنوان و نام پدیدآور	: کلیدهای کشف و پرورش استعداد در کودکان / دُن وینهاوس؛ مترجم اکرم قیطاسی.
مشخصات نشر	: تهران: صابرین، کتابهای دانه، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۶ ص: مصور.
فروست	: کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۸۵-۴۳-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.	
یادداشت	: عنوان اصلی: Encouraging potential in young children.
موضوع	: کودکان - سرپرستی.
موضوع	: کودکان - رشد.
موضوع	: والدین و کودک.
شناسه افزوده	: قیطاسی، اکرم، ۱۳۲۹ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ک ۸ ا ۹ / HQ ۷۷۲
رده‌بندی دیویی	: ۶۴۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۴۱۸۱۳



کتابهای دانه

مؤسسه انتشارات صابرین ۸۸۹۶۸۸۹۰

کلیدهای کشف و پرورش استعداد در کودکان
دُن وینهاوس

مترجم	اکرم قیطاسی
ویراستار	آنوسا صالحی
اجرای طرح جلد	نرگس محمدی
حروفچینی و صفحه‌آرایی	حروفچینی هما (امید سیندکازمی)
تعداد	۳۰۰۰
چاپ اول	۱۳۹۰
لیتوگرافی	پویه‌گراور
چاپ جلد	اکسیر
چاپ متن و صحافی	فدایانی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۸۵-۴۳-۸

ISBN: 978-964-2785-43-8

حقوق ناشر محفوظ است.

قیمت ۶۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	سخن ناشر
۶	فصل ۱. استعداد چیست؟
۲۴	فصل ۲. تشویق
۵۸	فصل ۳. پیامد و تنبیه
۷۵	فصل ۴. از آنها پیروی کنید و به صورتی مثبت رفتارشان را اصلاح کنید
۹۲	فصل ۵. مهارت‌های تکوینی
۱۲۰	فصل ۶. الگوبرداری
۱۴۱	فصل ۷. مسئولیت‌پذیری
۱۶۲	فصل ۸. پرستارها و معلمان
۱۸۶	فصل ۹. تکنیک‌هایی که می‌توانید با فرزندتان به گونه‌ای مؤثر کار کنید
۲۱۵	فصل ۱۰. هماهنگی
۲۲۴	فصل ۱۱. گروه‌هایی که در معرض خطر عدم درک استعداد هایشان هستند
۲۶۷	فصل ۱۲. جمع‌بندی

سخن ناشر

خواننده محترم، کتابی که پیش روی دارید، یک جلد از کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان است.

کتابهای این مجموعه با وجود ارتباط موضوعی، هرکدام از نظر مطلب مستقل هستند. آمادگی برای زایمان، روشهای مناسب و صحیح شیر دادن، تولد فرزند دوم، نقش پدر در تربیت کودک، پرورش کودک تیزهوش، آموختن به کودکان دربارهٔ خدا، سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان، پرورش فرزندان امیدوار و موفق، کلیدهای رفتار با نوجوانان و نیز مطالب متنوع و جالب دیگری که به روشها و مشکلات تربیتی کودکان و نوجوانان تا سنین بلوغ می‌پردازد، موضوع کتابهای این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

روش نویسندگان این کتابها، آموزش شیوه‌های عملی به والدین است. در نتیجه، هر کتاب از فصلهای متعددی تشکیل شده است که هر فصل به توضیح یک روش کلیدی می‌پردازد. مجموعه کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان، علاوه بر پشتوانه علمی و معتبر خود، از زبانی ساده برای توضیح مطالب و انتقال آنها به خواننده استفاده کرده است که برای عموم مادران و پدران جوان قابل استفاده خواهد بود.

مؤسسه انتشارات صابرین

استعداد چیست؟



منظور از استعداد در این کتاب

برای آنکه به کودکان کمک کنیم از زندگی خود نهایت بهره را ببرند، باید در مورد کودکان بیاموزیم و آنها را درک کنیم و به آنها نیز کمک کنیم در مورد خود بیاموزند و خود را درک کنند. این دانش و درکی که آنها به دست می‌آورند، می‌تواند تبدیل به ابزار نیرومندی شود و به آنها کمک کند معنا و جهت زندگی خود را بیابند و بهترین انتخابها را داشته باشند. والدین و بچه‌ها از طریق شناخت زمینه‌های استعداد شخصی، اطلاعات بیشتری کسب می‌کنند و می‌توانند در مورد سرگرمی، رشته تحصیلی، برنامه‌ها و اهداف آینده فرزندانشان بهتر تصمیم بگیرند.

می‌بریم، داریم. مأموریت این کتاب آن است که به ما کمک کند آنچه را که به طور بالقوه، در کودکانمان وجود دارد فعال کنیم، اما این به معنای آن نیست که می‌خواهیم از بچه‌هایمان افرادی باهوش یا نابغه بسازیم.

ما ترکیب بی‌نظیری از ساختار ژنتیکی پدر و مادرمان هستیم و تلفیق آنها (ترکیب ژنهای آنها) بسیاری از ویژگیهای فیزیکی، فکری و روانی ما را تعیین می‌کند. در زمینه استعداد نیز وراثت، محدوده قابلیت‌های ما را تعیین می‌کند (یعنی بهترین و بیشترین چیزی که در وجود ما نهاده شده است را مشخص می‌کند). با توجه به این نکات، محیط، تجربیات زندگی و میزان انگیزه یا گرایش‌های فردی نیز به ما کمک می‌کنند تا به این استعدادهای نادیده دست یابیم. برای روشن کردن مطلب اجازه دهید به شیوه‌ای متمرکز و دقیق هریک از اجزاء فرمول استعداد را جداگانه بررسی کنیم.

.....

وراثت / ژنتیک / سرشت

محیط / پرورش / تربیت

انگیزه / گرایش / علاقه

.....

مقدمه

با توجه به اینکه در عنوان این کتاب استعداد یک کلمه کلیدی است، جای آن دارد که قبل از بررسی چگونگی پرورش استعداد، این کلمه را توضیح دهیم. استعداد در این کتاب به معنای سقف، محدوده، گستره، بهترین بخش وجود فرزندمان در هر مهارت، توانایی، ویژگی و شخصیتی که دارد، است. این سقف ترکیبی است از آنچه به طور بیولوژیکی به ارث برده‌ایم (کروموزومها و ژنها که گاهی «طبیعت» نامیده می‌شود) و انگیزه شخصی (گرایش یا علاقه به یک دستاورد یا ویژگی)؛ البته عامل انگیزه ممکن است کاملاً حاصل ترکیب وراثت و محیط باشد اما چنان اهمیتی دارد که به طور جداگانه به آن می‌پردازیم. برخی نویسندگان، محققان الهیات و نظریه پردازان، عناصر دیگری را نیز به این ترکیب اضافه می‌کنند (مانند اراده الهی، شانس، طالع و تقدیر) اما ما با توجه به هدف خود در این فصل، بر وراثت، محیط و انگیزه متمرکز می‌شویم.

لطفاً در نظر داشته باشید که به حداکثر رساندن استعداد با هوشمند بودن یا باهوش و نابغه بودن یکی نیست. در فصل ۱۱ به طور خاص به این افراد می‌پردازیم. به حداکثر رساندن استعداد به معنای باهوش و یا نابغه بودن نیست؛ بلکه به معنای آن است که چگونه می‌شود با توجه به آنچه داریم، حداکثر دستاورد را داشته باشیم. این کتاب و این فصل برای تمامی والدین نوشته شده است تا به بچه‌هایشان کمک کنند با استفاده از حداکثر قابلیت خود، زندگی کنند. تقریباً همه ما استعداد بیشتری از آنچه به کار

وراثت

در یک شخصیت خاص، قدرت وراثت می تواند بسیار زیاد و عمیق باشد (مانند رنگ چشم، گروه خونی و اجزاء اصلی صورت) یا متوسط (مانند هماهنگی فیزیکی، خلق و خو و هوش) یا کم و احتمالاً بدون تأثیر (مانند ترجیحات غذایی، لهجه و برنامه های تلویزیونی مورد علاقه). در ادامه برای نشان دادن این عوامل به چند مورد می پردازیم:

در صورت عدم سوء تغذیه یا سوء مصرف قرصها یا تزریقات هورمونی، قد سالی^۱ - که اکنون نوزادی یکروزه است - در آینده بین ۱۵۵ تا ۱۶۰ سانتی متر خواهد شد. استعداد او ۱۶۰ سانتی متر است.

.....

آبی^۲ که اکنون شش ماهه است، با توانایی مغزی و تراز حد عادی به دنیا آمد. شجره نامه اش پر از اسامی دانشمندان و ریاضیدانان تیزهوش است که تواناییهای بسیار زیاد و دستاوردهای بالایی در زمینه های خاص داشته و دارند. اگر آبی در شرایط خاصی رشد پیدا کند و ضربه مغزی یا تصادفی نداشته باشد، ساختار ژنتیک او از پیش به گونه ای تعیین شده که از استعداد فوق العاده ای (از حد باهوش تا بسیار باهوش و یا نابغه) در زمینه ریاضیات و هوش علمی برخوردار است. او در زمینه ریاضی و علوم بسیار مستعد و هوشمند است.

.....

کارول^۳ تنها هجده ماه دارد اما تاکنون هماهنگی فیزیکی فوق العاده ای را از خود نشان داده است. با وجودی که شیوه ای برای

اندازه گیری دقیق استعداد او وجود ندارد، همه کسانی که او را می بینند معتقدند که هوشی خاص در زمینه استفاده از بدن خود به شکلی مؤثر دارد. در خانواده او هیچ ورزشکار یا رقصدۀ عالی یا حتی خوبی وجود ندارد و به همین دلیل والدین او کمی گیج شده اند که او چگونه می تواند به این خوبی راه برود، بدود و بچرخد. به تازگی هم او تنوب را پرتاب می کند، می گیرد، لگد می زند و برمی گرداند (مهارتهایی که بیشتر بچه هایی که دو برابر سن او را دارند، کم کم یاد می گیرند). پاسخ، این بار هم وراثت است. فرمولهای ژنتیکی پدر و مادر کارول - که برای به وجود آمدن کارول کوچولو با هم ترکیب شده اند - به گونه ای با هم ادغام شده اند که بسیار پیشرفته تر از حد معمول سن او است. استعداد او در هماهنگی فیزیکی و احتمالاً در ورزش و حرکات موزون عالی است.

.....

جین^۱ سه ساله، اگر در یک محیط خانوادگی که به شخصیت منحصر به فرد و گرایشات اجتماعی - روان شناختی (وراثتی) او بی توجه باشد پرورش یابد، تبدیل به یک بزرگسال روان رنجور و ناراحت خواهد شد. او با یک ساختار ژنتیکی روانی اجتماعی چالش برانگیز به دنیا آمده است و برای آنکه استعداد درونی اش به حداکثر خود برسد، لازم است والدین، اقوام، دوستان و معلماتش توجه بیشتری به او، چه از نظر شخصی و چه حرفه ای، نسبت به بچه های دیگر نشان دهند. جین استعداد تجربه یک زندگی لذت بخش و موفق را دارد، اما برای آنکه استعدادش در این زمینه بروز پیدا کند، باید منابع مختلفی را گرد آورد.

جولیا^۱ با سندرم دان به دنیا آمد، که یک شرایط ژنتیکی خاص است و معمولاً منجر به عقب‌ماندگی ذهنی و ویژگیهای جسمی خاصی می‌شود. اما با این‌که برخی از بچه‌هایی که مبتلا به سندرم دان هستند در بزرگسالی بسیار عقب‌مانده می‌شوند، بیشتر آنها تنها عقب‌ماندگی خفیف یا متوسطی خواهند داشت و بعضی هم در سطح متوسط بهره‌ی هوشی قرار می‌گیرند.

در مورد جولیا نیز، یک زندگی بسیار برانگیزنده، او را به یک سطح هوشی در حد متوسط پایین - حد مرزی: بهره‌ی هوشی ۷۵ تا ۸۰ - سوق می‌دهد.

استعداد جولیا در حد هوش متوسط پایین - حد مرزی - است.

بچه‌ها، والدین خود نیستند، اما اغلب از جنبه‌های مختلفی شبیه والدینشان هستند. وراثت در بسیاری از ویژگیهای انسانی آنها نقش مهمی را بازی می‌کند؛ اما این امر در برخی ویژگیهای دیگر اهمیت بسیار کمتری دارد.

یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «چیزی بیش از آنچه با چشم می‌بینیم، وجود دارد» این مطلب در مورد انسانها نیز صادق است. چیزی بیش از آنچه با چشم می‌بینیم، وجود دارد. این جمله بیانگر استعدادهای درونی و مادرزادی شما و فرزندان شما است که به یمن وجود مادر و پدر، تا زمانی که خود را به جلو نرانیم، پی به استعدادهای خود در هر یک از زمینه‌های نقاشی، موسیقی، ریاضی، آشپزی، شنا، نویسندگی، خیاطی، مراقبت، عشق ورزیدن، پرش، خوانندگی، قلاب‌بافی، گوش فرادادن، حافظه و مجسمه‌سازی نمی‌بریم.

محیط

محیط که گاهی به آن پرورش‌دهنده یا تربیت‌کننده نیز گفته می‌شود، شامل عوامل بسیار مختلفی است. عوامل زیر از بقیه مهم‌ترند و اغلب با یکدیگر هم‌پوشانی دارند:

■ تغذیه و سلامتی

■ انگیزش حسی (شامل حواس چشایی، بویایی، لامسه، حرکتی /

تعادلی، شنوایی و بینایی)

■ انگیزش مغزی (شامل زبان و تفکر)

■ روابط بین والدین، خواهر و برادرها، بستگان و دیگران

■ تجربیات فرهنگی، هوشیاری و حساسیت

هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده زندگی بچه‌ها که بر چگونگی تجربه وجود خود و یا چگونگی ادراک خود تأثیر می‌گذارد، یکی از اجزای محیط آنهاست.

محققان مختلف (در زمینه‌های پزشکی، روان‌شناسی، اجتماعی، آموزشی) به طور مستمر عواملی را که محیط پرورش کودکان را تغییر می‌دهند، مورد بررسی قرار می‌دهند تا دریابند که آنان در آینده چه کسانی خواهند شد. ما در اینجا تنها به صورت سطحی به این مطلب اشاره می‌کنیم اما دانش زیادی در این زمینه وجود دارد. مثلاً:

کیفیت تغذیه بر رشد فیزیکی بچه‌ها تأثیر می‌گذارد؛ در موارد سوء تغذیه شدید، افراد به اندازه‌ای که استعداد ژنتیکی آنها امکان می‌دهد و یا نیازهای فیزیکی و سلامتی آنها با توجه به استعداد ژنتیکی شان بیش‌بینی کرده است، رشد نمی‌کنند.

کودکانی که مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند (از نظر ذهنی، فیزیکی یا جنسی) نسبت به بچه‌هایی که چنین تجربیات ناگواری را نداشته‌اند، احتمال بیشتری دارد که سوء استفاده‌گر شوند.

.....

در فرهنگهایی که افراد تماس فیزیکی بیشتری دارند و از فاصله نزدیک یا هم صحبت می‌کنند، بچه‌ها گرایش پیدا می‌کنند که در بزرگسالی تماس فیزیکی بیشتری داشته باشند و از فاصله نزدیک‌تری با هم صحبت کنند.

.....

کودکانی که خشونت بیشتری را می‌بینند یا تجربه می‌کنند و بچه‌هایی که میزان خاصی از خشونت را در تلویزیون تماشا می‌کنند، حسالت مستخاصم و چشم‌گین تری دارند؛ آنها چنین می‌دهند.

.....

کودکانی که در خانه‌هایی با حداقل انگیزش زبانی و تعداد کمی کتاب بزرگ می‌شوند و وسایل و اسباب‌بازیهای اندکی دارند، از نظر هوشی نسبت به هم‌سالان خود با استعدادی نسبتاً مشابه و آنهایی که چنین امتیازهایی را در اختیار داشته‌اند، در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرند.

.....

مدت زمانی که طی اولین سالهای زندگی بچه‌ها صرف گوش دادن و صحبت کردن به زبان دوم، می‌شود، اغلب باعث می‌شود این بچه‌ها از مهارت و تلفظ بهتری نسبت به بچه‌هایی برخوردار باشند که در سنین بالاتر یا در بزرگسالی و در همین مدت زمان سعی می‌کنند زبان دوم را درک و به آن زبان صحبت کنند.

محیط پیرامون به ما کمک می‌کند که شخصیت و رفتار خود را شکل دهیم. به طور کلی، استعداد کودکانی که در محیط پربارتری رشد می‌کنند؛ نسبت به کودکانی با شرایط زندگی نامناسب، به احتمال بیشتری در زمینه‌های مختلف رشد می‌کند. از سوی دیگر، فقر و دیگر چالش‌های محیطی مهم (مانند بزرگ شدن در کشوری در حال جنگ، زندگی در محیطی دورافتاده و جایی که فاصله زیادی با شهر و دیگر همسایگان دارد یا زندگی در خانه‌ای که در آن پدر یا مادر مشکلات عاطفی یا ذهنی دارد) شرایطی را ایجاد می‌کند که ممکن است عمیقاً برای بچه‌ها و بزرگسالان چالش‌برانگیز باشد. (گروههایی که حداکثر استعدادهایشان به احتمال زیاد شکوفا نمی‌شود، در فصل ۱۱ مورد بررسی قرار می‌گیرند).

وراثت ژنتیکی، مرحله‌ای را ایجاد می‌کند که براساس آن محیط نقش خودش را ایفا می‌کند. محیطی که کودکان در آن رشد می‌کنند، می‌تواند آنها را در جهتی سوق دهد که استعدادهایشان به طور کامل‌تری شکوفا شود. اما این محیط نمی‌تواند آنها را فراتر از استعداد ذاتی‌شان پیش ببرد. همچنین محیطی که بچه‌ها در آن پرورش می‌یابند، ممکن است آنها را از رشد استعدادهایشان بازدارد و باعث شود که بر نیازهای اولیه و حیاتی خود بیشتر متمرکز شوند و احتمال بیشتری دارد که این افراد به سوی عادات بد و ویژگیهای نامناسب سوق پیدا کنند.

انگیزه

طی چند سال اخیر، تعدادی از نظریه‌پردازان از انگیزه به عنوان متغیری مهم در تحقق بخشیدن استعداد افراد یاد کرده‌اند. این نظریه به زبان ساده در پی بیان این مطلب است که:

افراد زیادی وجود دارند که ژنهای ممتازی دارند (به طور ژنتیکی استعداد دارند که استاد، ورزشکار، رهبر، هنرمند و... بزرگی شوند) و در

محیط پرباری پرورش پیدا می‌کنند (تغذیه عالی، والدین مراقب و پرمهر، انگیزش عالی، مدارس خوب) اما هیچ‌گاه این دو را کنار هم قرار نمی‌دهند تا با داشته‌های خود کار مهمی انجام دهند. به نظر می‌رسد در این میان یکی از عناصر لازم وجود ندارد و آن عنصر که اغلب نیز بسیار ملموس نیست، انگیزه، گرایش، دلبستگی و یا تعهد کاری نامیده می‌شود.

افراد بیش از حد موفق

بارزترین افراد با انگیزه کسانی هستند (چه کودک و چه بزرگسال) که به آنها افراد بیش از حد موفق گفته می‌شود (عبارتی که پس از پایان این قسمت دیگر آن را به کار نخواهید برد). افراد بیش از حد موفق کسانی هستند که به یمن انگیزه عالی‌شان بیشتر از بقیه ما به شناخت استعدادهایشان نزدیک می‌شوند. اما واقعیت ناخوشایند آن است که تقریباً همه (شامل من و شما هم می‌شود) بیش از حد موفق نبوده‌ایم. افراد بیش از حد موفق انگیزه بیشتر و اخلاق کاری مطلوب‌تری نسبت به بقیه ما دارند؛ آنها از استعدادهایشان بیش از ما استفاده می‌کنند و بنابراین به آنها افراد بیش از حد موفق گفته می‌شود.

آیا می‌توانید شخصی را به خاطر آورید که به نظرتان بیش از حد موفق بوده است؟ او را در نظر آورید و ببینید او چه کاری انجام می‌دهد یا چه می‌گوید که باعث می‌شود شما او را چنین فردی تصور کنید؟ حال این سؤال را از خود بپرسید: «آیا او واقعاً بیش از حد موفق است یعنی بیش از حد استعدادش موفق شده است؟» یا اینکه درست‌تر آن است که از او به عنوان فردی با انگیزه بالا یاد کنیم که نسبت به دیگران، از استعدادش بیشتر استفاده کرده است؟ نمی‌دانم به چه جوابی می‌رسید، اما وقتی فردی را می‌بینم که دیگران از او به عنوان فردی بیش از حد موفق یاد می‌کنند، اغلب احساس می‌کنم که با فردی روبه‌رو هستم که می‌داند

چگونه از داشته‌های خود بیشترین بهره را ببرد. همین! البته باید یک نکته را هم اضافه کنم که بد نیست باز هم از آنهایی که از عبارت بیش از حد موفق استفاده می‌کنند، انتقاد کنم. من این افراد را به خاطر برجستگی که به دیگران می‌زنند، سرزنش می‌کنم. من آنها را سرزنش می‌کنم زیرا یک ویژگی واقعاً عالی (یعنی انگیزه) را با عبارت توهین‌آمیزی چون «بیش از حد موفق» توصیف می‌کنند.

به طور خلاصه، وقتی فکر می‌کنم که ما چگونه افرادی را که سخت تلاش می‌کنند، به طور ظریفی تحقیر می‌کنیم و به آنها برجستگی‌هایی می‌زنیم (مثل بیش از حد موفق، از ما بهتران، وسواسی، یک‌بعدی و غیره)، ناراحت می‌شوم. بیشتر ما کمتر از حد خود دستاورد داریم؛ چرا که حداکثر استعداد و ظرفیت خود را به کار نمی‌گیریم. به عبارت دیگر، افراد بیش از حد موفق تنها افرادی هستند که کمتر از بقیه، کمتر از حد خود موفق بوده‌اند!

اکنون دوست دارم بدانم آیا توانسته‌ام شما را متقاعد کنم که دیگران از عبارت بیش از حد موفق استفاده نکنید؟ امیدوارم این طور باشد. حس درونی من می‌گوید که باید هم‌اکنون برای شما به عنوان خواننده این کتاب آزمونی طرح کند. بدون نگاه کردن به پاراگرافهای قبلی، تصور کنید که بعد از این، وقتی می‌شنوید به یک کودک یا بزرگسال عبارت بیش از حد موفق را نسبت می‌دهند، چه فکری به ذهنتان خطور می‌کند؟

فکر کنید

حالا به خواندن کتاب ادامه دهید

افرادی با دستاوردی کمتر از حد خود

همه ما افرادی را می‌شناسیم که در سنین پایین‌تر در کاری، واقعاً خوب و عالی ظاهر شده‌اند. (این مهارتها یا تواناییها احتمالاً در سنین خیلی پایین

بروز پیدا کرده‌اند و همین بیانگر استعداد ژنتیکی آنها بوده است). به نظر می‌رسد که این افراد در محیطی پرورش یافته‌اند که به رشد آنها در این زمینه کمک کرده یا آن را پرورش داده است، اما هرگز قدمی در جهت رشد مهارت خود برداشته‌اند یا تا جایی که دیگران انتظارش را داشته‌اند، پیش نرفته‌اند. مشکل چیست؟ خصوصیتی که باید اضافه می‌شد و استعداد این افراد را در زمینه‌ای خاص به حداکثر شکوفایی می‌رساند، احتمالاً انگیزه بوده است.

بگذارید نگاهی به چند مرد و زن ناشناس بیندازیم که به نظر می‌رسد همه این شرایط را داشته‌اند (استعداد ژنتیکی و یک محیط حمایتگر) اما، در حال حاضر به نظر نمی‌رسد از استعدادشان حداکثر بهره را برده باشند (آنها کمتر از حد انتظار موفق بوده‌اند). به خاطر داشته باشید که تمامی این موارد اغراق، تا حد زیادی بزرگ‌نمایی و غیر عادی شده‌اند. اما چیزی که در این بخش باید بر آن متمرکز شویم، این است که موفقیت چیزی فراتر از یک فرمول ساده «وراثت + محیط» است.

یک قهرمان تنیس که پدر و مادر بسیار حمایتگر، هماهنگ، علاقه‌مند و متعهدی داشت در سن دوسالگی در زمین تنیس درخشید. این دختر در سن دوازده سالگی قهرمان ملی شد و در مسابقات قهرمانی مدارس به مقام قهرمانی رسید و با کمک هزینه تحصیلی تنیس، به دانشکده رفت و طی سال اول دانشکده رتبه اول مسابقات انفرادی را به دست آورد اما سال بعد از تیم بیرون آمد و اکنون در سن ۲۱ سالگی، دو سال می‌شود که حتی راکت تنیس را لمس نکرده است.

پسر کوچولویی که از نظر قدرت بیان استثنایی بود، در سن ۵ سالگی می‌توانست بخواند، حملاتی بنویسد و جمع، تفریق، ضرب و تقسیم

انجام دهد. والدین او به خاطر تواناییها و دستاوردهایش به شدت به خود می‌بالیدند و هر کاری که در توانشان بود برای ترغیب تابعه کوچولوشان در عالم یادگیری و دانش انجام می‌دادند. او در سالهای مدرسه، دانش آموز فوق العاده‌ای بود؛ اما هرگز وارد دانشگاه نشد و در چند سال اخیر از یک شغل کم‌درآمد به شغل کم‌درآمد دیگری روی می‌آورد.

.....

پدر و مادر این دختر هر دو باستان‌شناس بودند. او در سن ۱۲ سالگی در مورد صخره‌ها، شکل‌گیری زمین و تاریخ انسانهای اندیشه‌ورز^۱ بیش از فارغ‌التحصیلان کارشناسی این رشته اطلاعات داشت. والدین او عمیقاً او را دوست داشتند و به او توجه می‌کردند و در حفاریها و سفرهای هیجان‌انگیز و ماجراجویانه خود به دور دنیا او را همراه خویش می‌بردند. او در سن ۲۳ سالگی، کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی را به پایان رساند. چهار مقاله به چاپ رساند، تقریباً یک کتاب کامل در مورد دوره رودخانه آرکانزاس^۲ نوشت و تمام مراحل آزمون دکترای رشته باستان‌شناسی فرهنگی را پشت سر گذاشت. اما هرگز کتاب یا دکترایش را به پایان نرساند و اخیراً تنها گاهی مطلبی در این زمینه می‌خواند. او شادمانی و رضایت خاطر چندانی ندارد و بیشتر اوقات روزش را صرف نظافت منزل و بخت و یز برای سه فرزندش می‌کند و از شرایط زندگی یک مادر تنها با وجود سه فرزند، و اضافه وزن، در حالی که با کمک هزینه گذران زندگی می‌کند و برنامه‌ای برای آینده‌اش ندارد، شکایت می‌کند.

افراد بالا همگی استعداد و محیط حمایتگر و رشددهنده‌ای داشته‌اند، ولی هیچ‌یک به توقعات خود و دیگران، دست نیافته‌اند. احتمالاً دلایل

چندگانه‌ای برای هر یک از نمونه‌هایی که مطرح شد، وجود داشته است؛ اما احتمال بیشتری وجود دارد که یکی از عوامل مهم و مؤثر این باشد که عنصر (یا یکی از عناصر) غایب، مرتبط با عاملی باشد که به آن انگیزه، کشش، گرایش یا علاقه به کار می‌گوییم.

عکس این امر چگونه است؟ افرادی هستند که به وضوح استعداد یا محیط پرورش دهنده نه‌چندان مطلوبی دارند اما می‌توانند به سطوح بالاتری از موفقیت دست پیدا کنند (که برخی آنها را بیش از حد موفق می‌نامند) اما ما اکنون آنها را بهتر می‌شناسیم! مورد زیر را در نظر بگیرید:

این خانم اولین زن سیاه‌پوست است که تاکنون برای این شرکت حقوقی بالارتنه آمریکایی استخدام شده است. نمرات مدرسه‌اش در همه دروسها از پیش‌دستانی تا دبیرستان متوسط بوده‌اند. آزمونهای ضریب هوشی او توانایی بالاتر از متوسط را نشان می‌دهند، اما نه در حد یک فرد بسیار باهوش یا نابغه. او که پنج خواهر و برادر داشت و در فقر متولد شد، اولین فرزند خانواده بود که وارد دانشگاه شد. او اگرچه مجبور بود دو شغل داشته باشد و بیش از شش سال بیش از ۵۰ ساعت در هفته کار می‌کرد، مدرک کارشناسی‌اش را با بالاترین رتبه گرفت و وارد دانشکده حقوق شد و به عنوان یکی از برترین دانش‌آموختگان فارغ‌التحصیل شد.

.....

او که طی سالهای مدرسه پسری آرام و خجالتی بود، به تدریج در کاری مشارکت می‌کرد (تها یکی پسر متوسط بود که در یک شهر کوچک معمولی و در یک خانواده متوسط رشد کرده بود). طی اولین سالهای کاری‌اش که در یک فروشگاه بزرگ محلی فروشنده بود، موفقیت متوسط خود را ادامه داد و توانست از طریق تواناییها، استعداد یا انگیزه‌اش تأثیری بر همکاران یا بازرسان بگذارد. سپس آن اتفاق رخ داد طی یک دوره

کوتاه هشت ساله، یک فروشگاه لباس مردانه افتتاح کرد و توانست آن را به شش فروشگاه زنجیره‌ای با ارزش خالص ۱۰ میلیون دلار گسترش دهد.

.....

این خانم پس از آنکه سومین و آخرین فرزندش وارد دبستان شد، تصمیم گرفت که کمی به علائق خودش بپردازد. همیشه عاشق برگزاری جشن و پختن کیک و نان بود؛ اما همیشه تنها نان و شیرینیهای ساده درست می‌کرد. او در مدت زمانی کمتر از هشت سال توانست مدرک خود را در زمینه هنر آشپزی بگیرد و کار خود را اختصاصاً در زمینه شیرینی‌پزی شروع کند. او جوایز زیادی را به خاطر برگزاری جشن‌ها و درست کردن کیکهایش به دست آورد و در بیش از ۱۰۰ روزنامه مقالاتی منتشر کرد.

انگیزه می‌تواند بسیار بسیار مؤثر باشد. در عین حال که داشتن استعداد ذاتی و یک محیط غنی و رشددهنده تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد، بیشتر افرادی که در این دنیا موفق می‌شوند، بیشتر به علت انگیزه، گرایش و علائق خود رشد می‌کنند. آنها با کمک عبارت «من می‌خواهم» از هوش خود پیش‌تر می‌روند.

توصیه‌ها

۱. مراقب قابلیت‌های خاص کودکان باشید (همچنین حواستان به زمینه‌هایی که نیاز به توجه دارند نیز باشد) و در آن زمینه‌ها آنها را تشویق و ترغیب کنید.
۲. در بیشتر زمینه‌های پیشرفت، وراثت یک فرد، امکان انواع نتایج ممکن را باعث می‌شود. دید وسیعی داشته باشید، خوش‌بینی خود را حفظ

کنید. از بدبینی اجتناب کنید و سخت کار کنید تا محیطی فراهم آورید که به بچه‌ها کمک کند تا حد ممکن رشد کنند و بیاموزند. معمولاً به طور قطع چیزهایی فراتر از آنچه شما می‌بینید، وجود دارد.

۳. عوامل محیطی که در رشد بچه‌ها اهمیت دارند، فراتر از بهداشت و سلامت جسمی و درسی آنها هستند؛ این عوامل شامل سلامت و بهداشت روانی و اجتماعی نیز می‌شوند. شما نیز بخش مهمی از این عوامل هستید. باید مراقب خود و رفتار خود با بچه‌هایتان باشید؛ اگر بکوشید به بهترین نحو در کنار آنها باشید، به آنها کمک خواهید کرد بهترین کسی که می‌توانند باشند.

۴. بسیاری از جنبه‌های استعداد یک فرد در سنین پایین‌تر، نسبت به عوامل محیطی بسیار آسیب‌پذیرتر هستند. سعی نکنید تمامی تجربیات ارزنده‌ای را که فکر می‌کنید بچه‌ها از آنها بهره می‌برند، به آنها عرضه کنید؛ چیزهایی مانند خرید کتابهای بیشتر، شروع کلاس ژیمناستیک، کلاس زبان جدید، یا کم کردن تنقلات. تا دیر نشده، سعی کنید خیلی به آنها فشار نیاورید (تلاش نکنید آنها را به یادگیری چیزهایی که آمادگی آن را ندارند، وادار کنید).

۵. انگیزه، گرایش و کشش، عوامل مهمی در به تحقق پیوستن استعداد بچه‌ها هستند. برای کمک به بچه‌ها و در جهت ایجاد این ویژگی‌های بسیار ارزشمند، از راهکارهایی مؤثر استفاده کنید.

۶. تنها بر تواناییها (یا ناتوانیهای) فرزندان‌تان متمرکز نشوید. ممکن است تمام توجهتان را صرف ایجاد زمینه‌های خاص استعداد (یا ناتوانی) کنید و با وجود استعداد آنها و محیط مساعدی که برای رشد آنها فراهم کرده‌اید، هدف‌هایتان به نتیجه نرسند. بچه‌ها نیز مانند بزرگسالان، معمولاً نیاز دارند زندگی متعادلی داشته باشند. اگر برای یک جنبه و به بهای از دست دادن جنبه‌های دیگر، بیش از حد انرژی و وقت صرف کنید، به اهداف خاصی نمی‌رسید.

۷. به خاطر داشته باشید در عین حال که بیشتر ما کمتر از حد خود موفق شده‌ایم اما در مقایسه با آن کسی که می‌توانستیم باشیم، هرگز کسی نبوده و نخواهد بود که واقعاً بیش از حد موفق شده باشد. این پیام را ترویج کنید: انگیزه مفید است!

خلاصه

استعداد: سقف، محدوده، گستره و بهترین بخش وجود هر فرد در زمینه یک توانایی، ویژگی یا شخصیت. در عین حال که کمتر افرادی واقعاً در تمام جنبه‌های رشدشان به آن می‌رسند، بسیاری از افراد به شدت در پی آن هستند. حتی در مورد «نبوغ طبیعی» (چه در زمینه مسائل آموزشی، هنر یا ورزش) تحقق یا شکوفایی استعداد همواره با سخت‌کوشی و معمولاً با آموزش و الگویی عالی همراه بوده است. سؤالی که بی‌پاسخ می‌ماند این است: «بچه‌های من در چه زمینه‌هایی برجسته‌ترین استعداد را دارند؟»

والدین اغلب از خود می‌پرسند: «آنها تا چه اندازه می‌توانند پیشرفت کنند؟ و با وجود صرف زمان و آموزش صحیح، چه محدودیتهایی ممکن است وجود داشته باشد؟»

پاسخ همواره یکسان است: «تا امتحان نکنید، نخواهید دانست و حتی در آن صورت نیز شاید همچنان تردید داشته باشید که آیا کار بیشتری می‌توان انجام داد یا خیر؟»

استعداد در همهٔ انسانها و در همهٔ زمینه‌های زندگی وجود دارد. برخی از بزرگ‌ترین و بااستعدادترین هنرمندان در طول تاریخ، هرگز شانس نقاشی کردن یا نواختن ویلن را نداشته‌اند. برخی از بزرگ‌ترین و بااستعدادترین روان‌درمانها هرگز روان‌درمانی را خارج از آشپزخانهٔ خود یا با کسی غیر از دوستان یا خانوادهٔ خود تجربه نکرده‌اند. استعداد به صورت پنهان در آنها وجود داشته است، اما هرگز به طور کامل فرصت بروز پیدا نکرده است و تنها مخاطبین محدودی آن را درک کرده‌اند.

اما اولین گام در شناخت استعداد چیست؟ این است که متوجه شویم بچه‌هایمان (اگر نه خودمان) می‌توانند در بیشتر زمینه‌های زندگی بهتر از آنچه هستند، باشند و بهتر عمل کنند. والدینی که می‌توانند بر این دیدگاه متمرکز شوند، بیشتر قادرند باعث رشد کودکان خود شوند. والدینی که باور دارند: «بله، فرزند من یکی از بدترین بازیکنان تیم فوتبال است، اما با تمرین می‌تواند بسیار بهتر شود. شاید نتواند بهترین بازیکن تیم شود، اما قطعاً / حتماً / بدون تردید / مطمئناً بهتر خواهد شد» کسانی هستند که سعی می‌کنند به بهترین روش ممکن به فرزندانشان در شکوفایی هرچه بیشتر استعدادشان کمک کنند.

زیبایی استعداد آن است که اگر با انگیزه، کشش یا گرایش بیشتر همراه شود، می‌تواند با آنچه در وجود ما نهفته است، چه کودک و چه بزرگسال، کارهایی هرچه بیشتر انجام دهد. بنابراین بسیاری از بچه‌ها تنها رها می‌کنند: «من نمی‌توانم این کار را انجام دهم.» «من ریاضی را متوجه نمی‌شوم.» «هیچ‌کس مرا دوست ندارد.» و...

آنها در حالی که خود را در پایین‌ترین سطح می‌بینند، به این نتیجه می‌رسند که باید در همان‌جایی که هستند، توقف کنند و این سرنوشت آنهاست. آنچه آنها انجام می‌دهند نادیده گرفتن استعدادشان و نادیده گرفتن این نکته است که آیا آنها می‌خواهند آن زمینه اولویت بالاتری در زندگی‌شان داشته باشد و آیا می‌توانند در این زمینه بهتر شوند یا خیر. یک بار دیگر یادآوری می‌کنم: شاید آنها بهترین نباشند، اما قطعاً بهتر می‌شوند.

تشویق

